

اشعار محلی بہ زبان اصل طبری

(اغ مرزسن و شیر هاشو)

شاعر قدیم :

آقا میرزا حسن متولی حقی

سرشناسه	: متولی حقی، آقامیرزا حسن، ۱۳۰۲ - ۱۳۷۴.
عنوان و نام پدیدآور	: اشعار محلی به زبان اصیل طبسی / شاعر میرزا حسن متولی حقی.
مشخصات نشر	: گهرگان: انتشارات نوروزی، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۶۴ ص. ۱۴/۲۱×۵/۵ م.
شابک	: 978-600-449-129-7
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
موضوع	: شعر عامه طبسی Folk poetry, Tabasi
موضوع	: شعر خراسانی -- قرن ۱۴ poetry 20th century Khorasani
رده بندی کتب	: PIR ۳۰۲۴ ۱۳۹۵ ۲۱۴۲ ط /
رده بندی دیوبند	: ۸۵۱/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۵۳۲۲۴۴

اشعار محلی به زبان اصیل طبسی

شاعر: آقا میرزا حسن متولی حقی

نوبت چاپ: اول- ۱۳۹۵

صفحه آرا و طراح جلد: بهاره زینت

مشخصات ظاهری: ۶۴ ص

قطع: رقعی

شمارگان: ۳۰۰

شماره شابک: ۷-۱۲۹-۴۴۹-۶۰۰-۹۷۸

چاپ و نشر: نوروزی- ۱۷۳۲۲۴۲۲۵۸

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

حق چاپ برای نویسنده محفوظ می باشد.



نشانی: گلستان، گرگان، خیابان شهید بهشتی، بازار رضا (م). ۰۱۷-۳۲۲۴۲۲۵۸
 دورنگار: ۰۱۷-۳۲۲۲۰۰۴۷ آدرس الکترونیکی: Entesharate.noruzi@gmail.com
 سایت انتشارات: www.Entesharate-noruzi.com

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	بگفت:
۸	او، پیرزلو لولو دَرَه
۹	به به ای ای
۱۰	اوفه هی هی تو ما
۱۱	مرد تریکی
۱۲	شکایت از کم نوری برق حبس
۱۴	ای دادو دو صد وای
۱۵	مرگ مادر
۱۷	پاور چنوک پاورچنوک
۱۹	مقوق کارمندان
۲۱	قسم نامه
۲۲	بگذره که ورنگ مونم
۲۴	آش پرهوک
۲۵	پسرو دم کَرَدَه
۲۶	زَبر بکی بکی بکی
۲۸	باغ فطبی
۲۹	کَبَل مسن
۳۰	پُشتا

زیادگویی.....	۳۱
سفر مع.....	۳۲
قصر پذیرایی.....	۳۳
گرانی.....	۳۴
ألف علی.....	۳۶
جاده ارمیضان.....	۳۷
عمر.....	۳۸
بان.....	۳۹
ای رضا آغ کش.....	۴۰
دفتر زشت.....	۴۲
رئیس اداره پست.....	۴۳
منزل های قدیمی طبس.....	۴۵
فیشتک دَلنگو.....	۴۶
زلزله.....	۴۷
مومه شهر طبس.....	۴۸
سلف فر.....	۴۹
جاده.....	۵۰
روزگار شاعر.....	۵۱
تصاویر.....	۵۲

پیشگفتار:

کوپر، در نگاه اول، تجلی خشونت، خشکی، بی آبی و پژمردگی است. پهنه گسترده‌ای که ریگزارهای بی‌حد و مرز آن، زندگی را در کام خود فرو می‌برد. از آسمان کوپر، باران آفتاب می‌بارد و از متن آن طوفان‌های همگین شن بر می‌خیزد. اما از دیگر نگاه، کوپر مظهر زندگی، تلاش، جدوری و سازندگی است؛ که نومییدی در دل دریایی مردان و زنان غرق و غصب می‌شود. در از ناممکن‌ها امکان شگفت انگیز زندگی پویا برمی‌خیزد. سیاه‌آرا با طبیعت سخت و خشن و ناآرام، مردان و زنان کوپری را چنان پرورده، که طله‌ای از زندگی‌شان تهی از آفرینندگی و امیدآفرینی نیست. روز کوپر، سرزان است؛ از آتش آفتاب در تابستان و سرمای استخوان سوز در زمستان. روز بی‌سایه و آتش‌زای کوپر اما، شبی را در پی دارد که همه لطافت‌ها دریایی‌ها را در خود جای داده است. وقتی شب، حجاب خورشید از چهره بر می‌دارد، آسمان را در همسایگی خود می‌بینی! در شب کوپر، زمین و آسمان یکی می‌شوند. آسمان به زلالی و شفافی دریای آب شیرین است که فقط در هوا، تو وجود دارد و ستارگان به تو نزدیکند، آنقدر که با دستانت می‌توانی آن‌ها را لمس کنی. شب کوپر با زبان ستاره با تو شاعرانه‌ترین گفتگوها را دارد و همان جانت را از امید و زیبایی پر می‌کند که سختی و سوز روز کوپر نیز راحت و دل‌پذیر می‌شود.

می‌جینی، می‌کاوی و از ژرفای ده‌ها و صدها متر زمین، آب زندگی را برمی‌آوری و در رشته‌ای به درازای ده‌ها کیلومتر در زیر زمین آن را جاری

می‌سازی و به لب تشنه کویر می‌رسانی. به همین دلیل است که نام کاریز و قنات مرد و زن کویر، هنگامی که گونه آفتاب سوخته خود را در معرض نوازش خنکای نسیم شامگاهی قرار می‌دهند، به آسمان می‌نگرند، ستاره می‌چینند و شعر می‌سرایند؛ زندگی را با همه جلال و جمال خود تکرار می‌کنند.

همه در حاشیه این کویر داغ و سوزان و پژمرده، اما سرشار از شور زنانه، مناطق را می‌یابی که وقتی به آن پای می‌گذاری، همه خشکی و خشونت کویر را از یاد می‌بری. و شهر طبس، یکی از این مناطق است. طبیعت لطیف و خرم طبس، با درختان همیشه سبز نخل و مرکبات، زیبایی آن را دو چندان می‌سازد.

شهر طبس (تبس)، مرکز شهرستان لاسر (بزرگ‌ترین شهرستان ایران) و شهری کویری است در غرب خراسان. جوی ایران جمعیت شهرستان طبس در سال ۱۳۸۵، برابر با ۶۳۰۴۷ نفر بوده است. این شهر در مدار ۳۳ درجه و ۳۵ دقیقه شمالی و نصف‌النهار ۵۶ درجه و ۵۵ دقیقه شرقی، در منطقه‌ای با آب و هوای بیابانی واقع شده است. ارتفاع شهر طبس از سطح دریا حدود ۶۹۰ متر است. در شرق شهر طبس رشته‌کوه بلندی به نام رشته‌کوه کوه‌تری قرار گرفته که ضلع شرقی چاله بزرگ طبس را تشکیل می‌دهد.

بعضی گفته‌اند نام آنجا تب بس بوده است تب در فارسی به معنی حرارت و داغی است. یعنی بسی داغ. عده‌ای نیز نام آن را به زبان‌های سلوکیان

مرتبط دانسته‌اند. ناصر خسرو در سفر نامه این شهر را طبس گیلکی خوانده است.

آب طبس از یک پارچه شدن چشمه‌های پرشماری که از راه یک قنات به این شهر آورده می‌شوند و در جایی به نام «فره‌ونگ» از زیر زمین بیرون می‌آید تامین می‌شود. این آب در راه خود به خاطر شیب طبیعی زمین چند آسیاب را نیز به راه می‌اندازد. این آب در قدیم پس از آبیاری و گذر از باغ گلشن، وارد شهر شده و باغ‌های و محله‌ها را آبیاری می‌کند و آب‌انبارها را پر از آب می‌نماید.

باغ گلشن طبس در زمزمه‌های زیبای جهان قرار گرفته که مربوط به دوره زند - دوره قاجار است. این اثر تاریخی ۲۰ دی ۱۳۵۵ با شماره ثبت ۱۳۱۰ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. این باغ باشکوه یکی از مهم‌ترین باغهای ایرانی به شمار می‌رود. آغ گلشن به وسیله میر حسن خان سومین، از سلسله خان‌هایی که به واسطه درشاه به حکومت طبس منصوب شدند، ساخته شده است.

باغ گلشن در منطقه‌ای واقع شده است که در میان دو دریا، همک زار ایران یعنی دشت لوت و دشت کویر قرار دارد، اما کیفیت معجزه‌آسای آب این منطقه، آبشارها و استخرهای طبیعی زیبایی را تشکیل داده‌اند که با چمنزارهای زیبا تزیین شده است. احساس واحه گونه این منطقه با وجود درختان قدیمی نخل، انار و مرکبات به همراه رایحه گل‌های رز و ختمی

تکمیل می شود. باغ گلشن طبس یکی از باغ های نادر ایرانی است که آب جاری دایمی در آن جریان دارد. درختان میوه بسیاری در این بنای تاریخی هشت هکتاری، طبیعت بی نظیری آفریده است. در این باغ گونه های مختلف گیاهان سازگار با اقلیم های متفاوت آب و هوایی مانند درخت چنار که خاص مناطق سردسیر است در کنار خرما که فقط در مناطق گرمسیری رشد می کند، وجود دارد. طراحی این باغ بر اساس نمونه چهارباغ و برگرفته از آیات قرآنی درباره بهشت که دو نهر در آن همدیگر را قطع می کنند صورت گرفته است. مدار اولیه باغ، طبیعت سبز آن را با توجه به نوع درختان به صورت شطرنجی طراحی و کشت کرده است. جهانگردانی چون سون هدین سونس و آندره گدار فرانسوی که از طبس دیدن کرده اند، باغ گلشن را توصیف و از آسمان عراق و مرکبات، سایه خنک نخل ها، نغمه زیبای آب روان جوی ها، چمن های میان دو جوی، زمزمه باد در میان درختان و فواره های متعدد که آب را مانند تحفه ای به آسمان می فرستند بسیار تعریف کرده اند. خانم گدار همسر آندره گدار معمار معروف فرانسوی، باغ گلشن را این چنین توصیف کرده است: «در این باغ موضعی بزرگ با فواره های متعدد وجود دارد که آب یعنی این ماده با آتش مانند تحفه ای به آسمان می فرستد...» یک نکته منحصر به فرد در باغ گلشن که همه در تاج محل هند مانند آن تکرار شده، این است که باغ به صورت مربع است. یعنی طول و عرض باغ با هم برابرند و خیابان های موازی، طول و عرض این باغ را به هم متصل می کنند.

از دیگر مکان‌های دیدنی شهر طبس و اطراف آن می‌توان به از میغان، امام زاده، کال جنی (دره جنی) روستای خور، طاق شاه عباس، چشمه آب گرم مرتضی علی، ارگ حکومتی طبس، آبشار تفتی، روستای نایبند، سد تاریخی کریت، روستای پیر حاجات، روستای کریت، روستای اصفهک، روستای حلوان، آب انبارهای طبس و درخت تاریخی زیتون طبس نام برد.

شاعران، نویسندگان، احیاگران و بسط دهندگان زبان هستند و ادبیات هر زبان کارنامه‌ی واژه سازی آن است. «فردوسی» را به نیکی می‌ستاییم که او بسی زبانی و ماهنامه سرود و زبان فارسی را در عبور از تهاجم فرهنگ‌های مختلف با داشت و عجم را بدین پارسی زنده ساخت. از صداقت و یکرنگی، از سمیت مهربانی، از رسوم دیرپای مدنی و مذهبی، از به اهم بودن‌ها، از شادی، از بازی‌ها با حسرت یاد می‌کنند و امروز علیرغم حضور فعال ابزار نوین متنوع ارتباطی، انسان‌ها احساس تنهایی و غربت می‌کنند. اما محو نمادها و نشانه‌های مدنی و فرهنگی و باورها و ارزش‌های دیرین بومی که میراث معنوی و فرهنگی به حساب می‌آیند، از اصالت انداختن هر ملت و مردم و قومی را کالبد می‌کند.

عبارات و کلمات مورد استفاده در محاوره‌ی روزانه‌ی مردم منطقه تار و پود ادبیات شفاهی و از این طریق فرهنگ عامه‌ی دیرپای آن را غنا بخشوده است

این مجموعه به واقع آلبوم خاطرات نسلی است که با تمام وجود هویت فرهنگی خویش را پاس می‌داشته اند.

گل واژه‌هایی هستند که قرن‌ها به کار رفته‌اند و رنجش‌ها و شادمانی پیشینیان ما را قاب گرفته‌اند. ابزار کار و زندگی بوده‌اند. کلمه‌هایی که ریشه دارند و امروز می‌توانند ریشه‌ی کلمات نوپیدیدی باشند که مردم به آن‌ها نیاز دارند. پس فراموشی آن‌ها، نقصی است که در زبان پدید خواهد آمد. بدانیم که شاعران و نویسندگان احیاگران این واژه‌ها هستند.

ما محذوران زمانه در مکان خویش هستیم و بدین ترتیب سکونت‌گاه‌ها و آدم‌هایش در گذر زمان تفاوت می‌یابند و همواره نو می‌شوند. در این میان اما طرد آیین‌ها و آداب حرمت‌ها، همتارها و ارزش‌های اصیل و ریشه‌دار، فرهنگ ما را چنان دچار ضلالت می‌سازد که در کوچک‌ترین برخورد با فرهنگ‌های دیگر تخریب شده و نابود می‌شود. پس نو شدن با حفظ اصالت‌ها یک اصل است.

در پایان از آقایان رضا خان محسنی، دکتر حمید رضا تکی و برادران عزیزم فرزین و فرهاد متولی حقی که مرا در ویرایش این کتاب یاری نمودن نهایت تشکر و سپاس را دارم. اسفند ۱۳۹۵.

دکتر سید فرزاد متولی حقی

عضو هیئت علمی دانشگاه